

عصری سازی حدیث؛

مطالعه موردی، سیره ابوطالب علیه السلام

سید محمد کاظم طباطبایی^۱
مرتضی حائری شیرازی^۲

چکیده

عصری سازی حدیث، به معنای کشف ملاک و معیاری جهان شمول از سیره معصومین علیهم السلام برای الگوبرداری همه مؤمنان است. افزون بر معصومین علیهم السلام، سیره کسانی که رفتار آنها توسط معصوم تأیید شده نیز می تواند در موضوع عصری سازی مفید باشد. ابوطالب به عنوان حامی بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با حفظ موقعیت پیش از اسلام خود، در شکل گیری و استمرار جامعه اسلامی نقش مهمی داشت. با وجود عدم بروز رفتار ایمانی، عملکرد او از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام تأیید شده و آنها صراحتاً به ایمان ابوطالب پرداخته اند. از این رو مسئله اصلی مقاله این است که آیا عصری سازی سیره ابوطالب می تواند الگو و معیاری برای مؤمنان امروزی ارائه کند؟ این نوشتار با بررسی تاریخی گزارش های مربوط به زندگی ابوطالب در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و بر اساس تأییدات ائمه علیهم السلام از رفتارهای ابوطالب نشان داده است که با ملاک و معیار فرا زمانی و فرا مکانی «عصری سازی سیره» می توان از سیره ابوطالب متناسب با نیازهای روز، الگوسازی کرد.

کلیدواژه ها: ابوطالب، سیره پژوهی، قصیده لامیه، عصری سازی.

۱. دانشیار گروه نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول). tabakazem@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلام گرایش اخلاق دانشگاه قرآن و حدیث. m.haeri.sh@gmail.com
تاریخ دریافت: ۰۰/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۷/۱۵

درآمد

در گزارش‌های تاریخی زندگی حضرت ابوطالب، نوعی دوگانگی وجود دارد که با قاعده عصری‌سازی قابل جمع است. بر اساس اعتقاد شیعه، ابوطالب به اسلام ایمان آورد، ولی ظهور و بروز ایمانی نداشته است. در مقابل اعتقاد مشهور اهل سنت، عدم ایمان وی است. این دوگانگی در متون شیعی نیز وجود دارد. در این متون از ابوطالب به عنوان حامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پدر امیرالمؤمنین علیه السلام و حجت الهی نام برده شده که رفتارهای او توسط ائمه بعدی مورد تأیید قرار گرفته است با این همه در متون شیعی گزارشی از سردادن رفتارهای مؤمنانه از ایشان وجود ندارد.

کارهایی مانند نماز، روزه، حج و جهاد که به عنوان ملاک ایمان معرفی شده، از حضرت ابوطالب گزارش نشده است. در مقابل آنچه از ایشان گزارش شده مانند محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان و محافظت از آنها، غالباً دو پهلو است. چنین کارهایی از یک سو می‌تواند به جهت عرق عشیره‌ای باشد یعنی رفتارهای حمایتگری ابوطالب علیه السلام به سبب جایگاه ریاست او بر قبیله است. زیرا حمایت نکردن از افراد قبیله برای عرب زشت شمرده می‌شد؛ و از سوی دیگر رفتارهای ابوطالب می‌تواند برآمده از اعتقاد مؤمنانه‌اش به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده باشد هرچند که در ظاهر، رفتار ایمانی از او صادر نشده باشد. آنچه در این پژوهش مد نظر است، بررسی رفتارهای ابوطالب به عنوان مسلمان مؤمنی است که در ظاهر رفتار مؤمنانه نداشته ولی بزرگترین خدمات را به اسلام داشته است و تمام رفتارهای او از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مورد تأیید قرار گرفته است. تأیید رفتارهای ابوطالب از سوی معصوم، به صورت قولی و تقریری مفروض این پژوهش است و در جای خود اثبات شده است. از این رو با استفاده از ایده «عصری‌سازی»، می‌توان ملاک و معیاری جهان شمول، فرا زمانی و فرامکانی از سیره مورد تأیید معصومین برداشت کرد. این برداشت می‌تواند الگوی رفتار مؤمنانه در جامعه امروزی نیز باشد.

پیشینه پژوهش

پژوهش در مورد موضوع حضرت ابوطالب بسیار است. سه کتاب به نام ابوطالب به قلم علامه امینی (۱۳۵۹ش)، باقر قربانی زرین (۱۳۷۱ش) و عبدالله الشیخ علی الخیزی (۱۳۹۸ش) تألیف شده است. ابوطالب آموزگار پاسداری اثر محمد محمدی اشتهااردی (۱۳۵۸ش)، کتاب ابوطالب اسوه مقاومت و ایمان نوشته اسدالله رضایی (۱۳۸۹ش)، ابوطالب الصحابی المفتی علیه به قلم محمد عبدالزهراء عثمان (۱۴۲۵)، ابوطالب بزرگ مکه اثر عبدالرحیم حسینی موسوی (۱۳۹۳) بخشی از آثاری است که با هدف اثبات ایمان حضرت ابوطالب نوشته شده‌اند. بیشتر این پژوهش‌ها با رویکرد کلامی به اثبات ایمان ابوطالب پرداخته‌اند. پژوهش حاضر، با پیش فرض رفتار مؤمنانه ایشان، نمونه‌ای از روش عصری‌سازی در مورد

رفتارهای این شخصیت است تا برای جامعه و شرایط کنونی نتایج کاربردی ارائه کند. بر این اساس، با معرفی روش عصری‌سازی و مطرح کردن برخی نمونه‌ها، دو جنبه اصلی رفتار حضرت ابوطالب علیه السلام یعنی رویکرد دفاعی وی از اسلام و مسلمانان به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رویکرد هنری وی در دیوان شعرش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عصری‌سازی سیره، مفهوم و ضرورت

دانش حدیث، همچون دانش تاریخ، دارای رویکردی است که نقل وقایع تاریخی و گزارش‌ها در آن در راستای فهم بهتر و دقیق‌تر روایت، اهمیت دارد. در این رویکرد، گزاره‌های تاریخی مطالعه و اطلاعات و آگاهی در یک موضوع خاص بیان می‌شود که به تنهایی دانش به حساب نمی‌آید. در مقابل، رویکرد دیگری وجود دارد و از منظری بالاتر، به بررسی و تحلیل وقایع و اتفاقات می‌پردازد و علت به‌وجود آمدن این وقایع را بررسی می‌کند. پس از بررسی علل وقوع و معادل‌سازی آنها در زمان معاصر، به سنجش علل وقوع برخی اتفاقات روز می‌پردازد. به عبارت دیگر در این رویکرد متن، قواعد و ملاک‌هایی ارائه می‌کند که بر آن اساس می‌توان علل برخی اتفاقات روز را شناسایی و تحلیل کرد.

قرآن کریم نیز دارای داستان‌ها و حکایاتی است که به‌رغم گذشت سالیان دراز، کشف علل وقوع آن وقایع و سرگذشت‌ها موجب توجه و تذکر به این داستان‌ها می‌شود. قرآن در کنار حکایات و داستان‌ها، یکسری قواعد و سنت‌های الهی را در عالم تکوین و عالم تشریح بیان کرده است که این قواعد و سنن در همه دوره‌ها، جاری و جهان شمول است. به عنوان نمونه، بیان داستان برادران یوسف برای توصیف برخی آموزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تربیتی و مانند اینهاست زیرا هدف قرآن، فراتر از قصه‌گویی است.

بررسی سیره بزرگان دین با ایده عصری‌سازی سیره برای خارج کردن آن بزرگان از حصار تاریخ و هم-عصر شدن با آنها انجام می‌شود. در این صورت بررسی سیره و فعل معصوم، اهمیت خود را نشان می‌دهد. اسوه بودن و الگوپذیری از شخصیت‌های بزرگ دین تنها در این رویکرد شذنی خواهد بود. نکته قابل توجه این است که معرفی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومین علیهم السلام به عنوان الگو و اسوه، به معنای تکرار صورت ظاهری و عین همان رفتارها نیست، بلکه مراد، کشف دلیل و قاعده عمل است که پس از پی بردن به آن، در هر عرصه، زمان و مکان با توجه به شرایط جدید سازگار بوده و قابلیت کاربردی شدن داشته باشد.

عصری‌سازی، به دنبال تغییر زاویه دید است. به‌جای آن که زندگی معصوم در دوره و زمان حضور ایشان بررسی شود، معصوم را از حصار شرایط زمانی و مکانی خویش خارج کرده به دوره معاصر می‌آورد.

مهم این است که عصری‌سازی چیزی را به معصوم نسبت می‌دهد که آن زمان اتفاق نیفتاده است در حالی که آن چیز دلیل وقوع رفتار معصوم بوده است.

الگوی فرا زمانی و فرا مکانی قرآن کریم، سیره پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام، پیش فرض عصری‌سازی است. آیا اینان متأثر از فرهنگ زمانه خویش بوده‌اند؟ در صورت پاسخ مثبت دیگر نمی‌توانند الگویی برای آیندگان باشند. اما بر طبق آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱)، پیامبر ﷺ برای جهانیان تا روز قیامت اسوه و الگو است. بنابراین نه تنها از شرایط زمانه خود تأثیرپذیر نیست بلکه رفتار و سیره ایشان دارای ملاک و معیاری جهان شمول و فراتر از هر زمان و مکانی است.

در این بین، توجه به گزاره‌های خارجی و حقیقه اهمیت دارد. در تقسیم گزاره‌های قولی و فعلی معصومان، برخی گزاره‌ها، خارجی و برخی حقیقه هستند. گزاره حقیقه اشاره به بُعد فرا زمانی و فرا مکانی آن حکم دارد که به شکل قاعده درآمده است. زمانی که با آیه شریفه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره / ۱۸۳) حکمی صادر می‌شود، به این معنا است که روزه بر همه افراد در همه زمان‌ها و مکان‌ها ضروری است. اما در گزاره‌های خارجی، قاعده و حکم منوط به شرایط زمان و مکان صدور حکم است و چه بسا در زمان‌های دیگر به دلیل تغییر شرایط، حکم تغییر کند. دستور به خضاب کردن محاسن در زمان پیامبر ﷺ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶ / ۴۸۱) که سنت آن حضرت بوده است (صدوق، ۱۴۱۷: ۱ / ۱۲۲)، طبق روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۷۳)، فقط در آن شرایط زمانی و مکانی بوده تا وجهه ظاهری حکومت اسلامی جوان باشد و مسلمانان شیشه پیران یهود و نصارا نباشند. اما بعد از آن به دلیل تغییر شرایط، حکم منتفی شد (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۹۷).

بنابراین، عصری‌سازی سیره به معنای برداشت قاعده و ملاک از سیره و رفتار بزرگان دین برای سرایت و شمول آن در تمام دوره‌های پسین است و ضرورت آن از این رو است که تنها راه سرایت فعل معصوم برای آیندگان، استفاده از این روش است. همانطور که در اقوال امامان معصوم، قواعدی وجود دارد که از کلیت آن اصول و ملاک‌های رفتاری استخراج می‌شود و همیشه قابل سرایت بر امور خارجی است. با این روش می‌توان از سیره نیز چنین قواعدی استخراج کرد.

چگونگی عصری‌سازی سیره معصومین علیهم‌السلام

برای استخراج ملاک و معیار از سیره معصومان و بزرگان دین، باید در پس اعتقاد به الگو و اسوه بودن ایشان از طرف خداوند، روندی را مد نظر قرار داد. در این روند، آنچه اهمیت دارد، برداشت صحیح و واقع‌نما از متن و کشف و ارائه معیار است. معیاری که قابلیت جایگذاری در هر شرایط و زمان و مکانی

باشد. از این رو باید مراحل را توجه داشت.

۱- فهم صحیح از گزارش

هر متنی به ویژه متن گزارش تاریخی و سیره، دارای ابهاماتی است که بایستی با کشف ابهامات و سؤالات موجود، در پی کشف پاسخ آنها برآمد. با توجه به معانی تک تک واژگان، ترکیبات، تطوّر زبانی، اختلاف گزارش ها، قرائن مختلف و مانند اینها، به بررسی تک تک موارد ابهام پرداخته می شود تا در نهایت قاعده و ملاک استخراج گردد. فهم متن روش خود را دارد که در بحث های روشمند فهم حدیث باید پیگیری شود (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۹۰: سراسر کتاب).

۲- فهم مراد اصلی متن

شاید ترجمه الفاظ متن واضح باشد ولی آیا گوینده از ترکیب آن الفاظ همین معانی را اراده کرده است؟ برای کشف این مرحله دانستن معانی استعمالی، اصطلاحات، ضرب المثل ها، کنایات، القاب و مانند اینها ضروری است. بسیاری از واژگان عربی معانی گوناگونی دارند و به اصطلاح، مشترک لفظی هستند که برای چند معنا به کار می روند. می توان گفت بیشتر واژگان عربی این گونه اند و بیش از یک معنای استعمالی دارند. اگرچه معانی استعمالی واژه ها گوناگون و متعدد است، ولی معمولاً این معانی از یک یا دو معنای اصلی سرچشمه می گیرند که مصداق و جلوه آن هستند. این معنای بنیادین و اصلی، همان گوهر معنایی یا روح معنا است. در راستای کشف مراد جدی متن، کشف روح معنای واژگان نقش اساسی دارد.

۳- توجه به سند و منبع گزارش

روایات و گزارش های سیره معصومین علیهم السلام، از زمان صدور تا زمانی که در منابع روایی منعکس شده است، سیر و حیات ویژه ای داشته که مأموریت علم رجال و سندشناسی است. همچنین از زمان انتشار کتاب روایی دست اول، تا الان نیز اتفاقاتی بر نسخه های کتاب وارد آمده که در اعتبار بخشی به روایات و گزارش ها نقش اساسی دارد.

۴- آسیب شناسی متن

در گزارش های مکتوب، آسیب هایی عمدی یا سهوی امکان بروز دارد که برای استخراج معیار به نام معیار دینی، باید آن آسیب ها را شناخت. تحریف به عنوان آسیبی عمدی و تصحیف آسیبی سهوی در گزارش های مکتوب به چشم می خورد. با شناخت راویان، محدثان و افراد در مسیر نقل روایت، می توان از وجود تحریف، اطمینان نسبی پیدا کرد. همچنین با دیدن نسخه های گوناگون گزارش ها در منابع

می‌توان به وجود یا عدم وجود تصحیف پی برد. بنابراین باید تمام متون مرتبط با روایت اعم از متون مشابه، متفاوت و معارض را کشف و گردآوری کرد.

۵- جمع آوری خانواده حدیث

بیان تدریجی احکام و معارف دینی همچنین نیازهای متفاوت اجتماع و افراد در زمان‌های مختلف اقتضا می‌کند تا معصوم مطابق با نیاز جامعه خود سخن بگوید و تمام مراد شارع یک جا و یک زمان صادر نشود. بنابراین جمع‌آوری همه آیات و روایات حول یک موضوع در یک جا، برای کشف ملاک و معیار فرا زمانی و فرا مکانی ضروری است.

۶- جمع آوری فهم علما

در طول زمان با توجه به شرایط گوناگون، نگاه‌ها و برداشت‌های متفاوتی درباره یک روایت مطرح می‌شود. با گردآوری همه مطالب و برداشت‌ها پیرامون یک روایت یا گزارش تاریخی، عوامل احتمالی مشکل الحدیث نیز شناسایی می‌شود.

۷- تحلیل و تبیین ملاک

پس از طی مراحل بیان شده، باید ضابطه و ملاک فهمیده شود. آن ملاک و معیار باید از شرایط زمانی و مکانی زمان صدور حدیث جدا شده و برای زمان حاضر روزآمد شود. در این مرحله از کار، تحلیل و تبیین ملاک و معیار اهمیت دارد. بروز شدن ملاک و معیار و دقیق بودن آن، باعث اطمینان بیشتر نسبت به دین می‌شود.

عصری‌سازی باید روشمند و دارای ملاک و معیار باشد. اگر این ایده بر اساس روند صحیح پیش گرفته نشود، آسیب‌هایی به دنبال دارد. مشکل اصلی آن است که قرار است در نهایت آن ملاک و معیار به دین نسبت داده شود. بر این اساس اگر مراحل با دقت لازم پی گرفته نشود، ممکن است این انتساب واقعی نباشد.

این نکات در عصری‌سازی، خود را در روایتی از رسول خدا ﷺ به خوبی نشان می‌دهد. ایشان فرمودند: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبِي الْجِمَارَ مُؤَكْفَأً وَ حَلَبَ الْعَنْزِ بِيَدِي وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي» (صدوق، ۱۳۶۲: ۱/ ۲۷۱؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۷۲)؛ پنج چیز را تا دم مرگ رها نکنم. با غلامان بر روی زمین غذا خوردن و بر دراز گوش پالان شده سوار شدن و با دست خویش شیر از پستان بز دوشیدن و لباس پشمینه به تن کردن و بر کودکان سلام کردن تا این کارها پس از من روش همگانی شود.

امروزه با توجه به شرایط زندگی دوران مدرن و حتی پسا مدرن، همه این سنت‌ها یکجا قابل اجرا نیست. نتیجه اینکه این رفتارها باید با زمان منطبق شود. اما مراد انجام شکل این رفتارها نیست بلکه اینها ملاک و معیار نوع زندگی و تعاملات اجتماعی را نشان می‌دهد. مثلاً روایت فوق، نوعی فروتنی، یکپارچگی و عدم تجمل‌گرایی را نشان می‌دهد که به عنوان الگو از پیامبر اسلام ﷺ برای همه مسلمانان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها قابل اجرا است. البته با توجه به این نکته که شکل ارائه هر کدام از اینها در هر زمان و مکان منوط به شرایط همان زمان و مکان است.

برای نشان دادن نمونه دیگر می‌توان به این مورد اشاره کرد که در دوران پیامبر ﷺ و صدر اسلام، بر اساس شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان، برای حاکم ویژگی‌هایی ضروری بوده که برخی از آنها در نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر نمایان است (شریف رضی، ۱۴۱۴: نامه ۵۳، ۴۲۶). اما امروزه به سبب تغییر شرایط، تمام آن ویژگی‌ها به همان شکل کاربرد ندارد. امروزه حکمرانی فردی نیست و به صورت سیستمی و جمعی اداره می‌شود و مسئولیت‌ها با شرح وظایف خاص خود در شکل‌های مختلف قرار دارند. بنابراین اگر بر اساس فرمایش حضرت گفته شود که میان حاکم و مردم نباید حجاب و مانع وجود داشته باشد (همانجا)، شاید امروزه نتیجه لازم را نداشته باشد. آنچه در فرمایش حضرت مطلوب است پاسخگو بودن حاکم نسبت به مطالبات مردم است که در شرایط فعلی این پاسخگویی می‌تواند بدون مواجهه مستقیم مردم با مسئولین و فقط از طریق برنامه‌ریزی‌های حکومتی با توجه به امکانات و شرایط سخت افزاری و نرم افزاری محقق شود.

نمونه دیگر جنگ خنین است. پس از نبرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند که همه افراد غنائم را که برده بودند برگردانند. سپس به اشراف قریش و برخی قبایل عرب سهم قابل توجهی داد تا دل‌های آنان را به سمت اسلام متمایل کند. کار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «مؤلفه القلوب» خوانده شد. گزارش شده که به ابوسفیان یکصد شتر دادند. مابقی غنائم را شمارش کردند و بین مسلمانان تقسیم کردند. این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، موجب شورش و اعتراض برخی مسلمانان شد و بر این اساس آیه نهم سوره توبه نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از ایراد سخنرانی، جو را آرام کردند و افرادی که غنیمت گرفته بودند را «مؤلفه القلوب» نامیدند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۵۲/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۶/۲۱). این رفتار هوشمندانه آن حضرت سبب شد که تا سال‌ها بنی امیه در میان مسلمانان با کنایه به این لقب یاد شوند؛ یعنی کسانی که با پول، اسلام آوردند. این یکی از شعارها و طعنه‌های مردم به ابوسفیان و بنی امیه شد و روحیه قدرت طلبی و مال دوستی آنان از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای همه روشن شد.

در عصری‌سازی سیره، باید اصل رفتار را شناسایی کرد، سپس عوامل و هدف را تشخیص داد تا

ملاک و معیار آن رفتار مورد پژوهش قرار گیرد. همین روند برای افراد دیگری که رفتارهایشان مورد تأیید پیامبر ﷺ و اهل بیت  بوده نیز قابل اجرا است. تأیید عملکرد آنان توسط معصوم و حتی تقریر و سکوت ایشان در برابر رفتار برخی می‌تواند ملاک و معیار برای سنجش رفتار صحیح از سقیم باشد. به عقیده شیعیان، ابوطالب جایگاه معصوم ندارد و به عنوان پیامبر و امام مطرح نیست. اما آنچه مورد اهمیت است آن است که روندی که وی پس از بعثت داشته و تا پایان عمر ادامه داده است، در منظر پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمومنین  بوده و خدشه‌ای بر او و عملکردش گزارش نشده است. رویکرد ابوطالب، رویکردی بود که مورد تقریر پیامبر ﷺ و حضرت علی  بود و حتی تأیید رسمی ائمه بعدی را با خود به همراه داشت. آنچه در این نوشتار دنبال می‌شود این است که اگرچه زمان اتفاقات پس از بعثت تا زمان ابوطالب، پایان یافته اما با توجه به مطالب پیش گفته، رفتار ابوطالب قابل الگوگیری و الگوسازی است.

عصری‌سازی سیره ابوطالب 

۱- رویکرد ابوطالب  در دفاع از پیامبر اکرم ﷺ

اگر بر اساس مراحل بیان شده در عصری‌سازی، سیره حضرت ابوطالب مورد پژوهش قرار گیرد باید اول متون پیرامون این شخصیت از میان روایات گردآوری، مطالعه و دسته‌بندی شود. پس از این کار، روشن می‌شود اولویت با روایات مربوط به ایمان ابوطالب است چرا که مخالفین نسبت به عدم ایمان ایشان پافشاری دارند. تعدادی روایت نیز در مورد اشعار و تأثیرگذاری دیوان شعر ابوطالب است. پس از گردآوری روایات، مطالعه و فهم صحیح از آنها، باید ملاک و معیار در سیره ابوطالب کشف شود. چرا ابوطالب آشکارا ایمان نیارود و اعمال مؤمنانه انجام نداد و چرا با این اوصاف مورد حمایت پیامبر ﷺ بود و ائمه بعدی بر ایمان وی تأکید دارند؟

توجیه رفتار ابوطالب در برابر احترامی که پیامبر ﷺ و ائمه  برای شخصیت والای ابوطالب قائل بودند، نیازمند پژوهشی است تا علل حمایت از اسلام بدون بروز رفتارهای مؤمنانه کشف شود. این در حالی است امام صادق  فرمودند این رفتارهای ابوطالب نشانه ایمان ایشان است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۴۸ ح ۲۸). امام صادق  با استناد به شعر ابوطالب نیز ایمان او را اثبات می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۴۸ ح ۲۹). از این رو تنها دلیل بر ایمان ابوطالب رفتار پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی  و حمایت‌های ائمه بعدی است، در حالی که گزارشی از رفتارهای ایمانی ابوطالب وجود ندارد.

حال سؤال اینجاست که آیا رفتار ایشان قابلیت عصری‌سازی، الگوگیری و مشابه سازی دارد؟ درست است که نماز خواندن و روزه گرفتن از ویژگی‌های رفتار مؤمنانه است، اما کاری مانند محافظت از جان

پیامبر ﷺ در آن شرایط، بسیار مهم‌تر نبوده‌است؟

برخی درصدد هستند تا ابوطالب را یک مومن پیشینی جلوه دهند. یعنی زمانی که پیامبر ﷺ به دنیا آمد ابوطالب می‌دانست که او پیامبر می‌شود و سی سال بعد دارای فرزندی می‌شود که وصی آن پیامبر ﷺ خواهد شد. این متون شایسته استناد نیستند و موقعیت ابوطالب را به گونه‌ای ترسیم کرده‌اند که ایمان او را برجسته‌تر سازند در حالی که در مورد ایمان وی ادله متقن‌تری وجود دارد.

آنچه از شرایط تاریخی آن زمان به دست می‌آید این است که شخصیت ابوطالب در بین قریش دارای جایگاه و عظمتی بوده که باید به عنوان بزرگ قبیله از پیامبر ﷺ دفاع می‌کرد نه به عنوان یک مسلمان پیرو؛ لذا او به عنوان بزرگ قبیله از پیامبر ﷺ حمایت می‌کند از این‌رو حمایت‌های او رنگ و لعاب عشیره‌ای دارد. با این نگاه، او نمی‌تواند دفاع خود را مؤمنانه نشان دهد. جهادی که او انجام می‌دهد از مرتبه بالاتری برخوردار است. حمایت وی از پیامبر ﷺ به نحوی بوده که تا زمان حیات ابوطالب، پیامبر ﷺ دارای پشتیبانی نیرومند بود و احساس آرامش داشت و وقتی ابوطالب از دنیا رفت جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد و عرض کرد: «ای محمد! از مکه بیرون رو، زیرا در اینجا یآوری نداری» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۴۹ ح ۳۱).

کسی که مخلصانه کاری انجام دهد اما در ظاهر، کاری خلاف آنچه که دیگران تصور می‌کنند بروز دهد، نهایت خلوص است که هیچ‌کسی نمی‌تواند بر وی خرده گیرد. این نوع رفتار در زمان حاضر نیز قابل سراپت است. امروزه اگر بتوان رفتار حضرت ابوطالب و حمایت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار از ابوطالب را عصری‌سازی کرد، باید در سیستم و در شبکه‌های اثرگذار جهانی، یک سری افرادی وجود داشته باشند که به عنوان طرفدار اسلام مطرح نباشند ولی با استفاده از جایگاه اجتماعی و شخصیت خود، رفتاری حمایتی از اسلام و نظام اسلامی بروز دهند. به عنوان نمونه جرج جرداق دانشمندی مسیحی توانسته در معرفی نهج‌البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین اثرگذاری بیشتری از شیعیان داشته باشد. حقیقت-یابی به این شکل، باعث می‌شود، بدون ایجاد حساسیت و معارضة، در راستای امر دین، کار انجام شده تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

کیان تشیع نیازمند افرادی است که بدون بروز و تدین به مذهب و با رویکرد جامعه غیرمتدین، از مذهب و دین دفاع نمایند. در این صورت نیازی نیست تمام افراد در حمایت از دین، شکل و شمایل دینی داشته باشند. این روش به عنوان یک قاعده از رفتار حضرت ابوطالب و حمایت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار کشف می‌شود. یعنی با وجود این که تظاهر دینی و ایمانی از حضرت ابوطالب گزارش نشده‌است و رفتارهای دو پهلو از ایشان به دست رسیده، با این همه ایمان وی توسط ائمه

معصومین علیهم‌السلام مطرح شده است. به نظر می‌رسد کاری که ابوطالب انجام داده بسیار بیشتر از کار دیگر مسلمانان مؤثر بوده است.

۲- دیوان ابوطالب علیه‌السلام

در ایران، افراد با رویکردهای گوناگون تحت حاکمیت مراجع شیعی هستند، در حالی که همه از اعتقاد و تدین یکسان برخوردار نیستند. با این فرض که گفته شود حدود یک چهارم جمعیت فعلی ایران، متدین متعبد هستند، این دسته در خیلی از اوقات اگر دچار مسئله‌ای شوند و به نتیجه نرسند، با بهره‌گیری از رهنمودهای رهبری و مراجع تقلید در مسیر قرار می‌گیرند. در مقابل شاید به همین تعداد، افرادی باشند که به شکل‌های گوناگون در عناد بسر می‌برند. در این میان نیمی از مردم هستند که از راه‌های دیگری باید آنها را جذب و علاقمند کرد. ممکن است آنها دوره‌های زندگی متفاوتی داشته باشند. شاید بیشتر آنها با نشان دادن زندگی یک روحانی متأثر نشوند ولی در برابر یک سلبریتی متأثر شوند و همین تأثر موجب تعادل زندگی آنها شود. این کار از عملکرد حضرت ابوطالب قابل استخراج است.

شعر به عنوان یک پدیده هنری، در صدر اسلام از توجه و اقبال عمومی ویژه‌ای برخوردار بود. توجه به شعر حتی تا سالیان طولانی پس از اسلام، وسیله‌ای تأثیرگذار برای انتقال مفاهیم به عموم مردم بشمار می‌رفت. نه تنها شعر بلکه هر مقوله هنری این قابلیت را دارد تا محتوای خود را به شکل نسبتاً نامحسوسی به مخاطب خود منتقل کند. از آنجا که هنر مقوله‌ای از جنس زیبایی شناختی است و در درون هر انسانی چنین تمایلی وجود دارد، اثرگذاری نسبتاً وسیعی نیز در جامعه دارد.

اشعار ابوطالب در زمان خود، دارای این اثرگذاری بوده است. امام صادق علیه‌السلام به دیوان شعر ابوطالب استناد کرده، آن را می‌خواند و آن را نشان ایمان وی برمی‌شمرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۴۸، ح ۲۹). دیوان شعرش دارای مسائل شعرای جاهلی نیست بلکه حکمت‌آمیز و فرادینی است. حکمت‌های موجود در این شعرها که با محوریت مسائل اخلاقی و انسانی است؛ دلیل حمایت اهل بیت علیهم‌السلام از دیوان شعر حضرت ابوطالب است با اینکه رنگ و بوی دینی ندارد.

امروزه نه تنها در شعر بلکه در تمام شقوق هنری لازم است اینگونه افرادی که جهت‌دهی ذهنی پیشینی برای آنها وجود نداشته باشد، بیابند و در دفاع از دین و نظام اسلامی تأثیرگذار باشند. استفاده از زبان هنر و زبانی که رک و صریح نیست ولی پای‌بند به اصول و قواعدی است که ناخواسته افراد را به سمت حکمت‌های خود می‌کشاند.

نتیجه

جهاد حضرت ابوطالب از جهاد دیگر مسلمانان بالاتر بود. زیرا او مکنونات قلبی خود را ابزار نکرد و شوق و علاقه خود به اسلام را بروز نداد ولی تمام قد از اسلام دفاع کرد. عصری‌سازی سیره ابوطالب یعنی با نگاه به تأیید رفتار ابوطالب از سوی پیامبر ﷺ، سیره ابوطالب قابل به روز رسانی و الگوبرداری است. یکی از جنبه‌های مورد پژوهش در عصری‌سازی سیره ابوطالب، حمایت‌های وی از پیامبر ﷺ و از اسلام است. این حمایت‌ها بدون بروز ظاهری ایمان، قابل معیار سنجی و اتخاذ ملاک است. چنین حمایت غیر مستقیم اما قلبی و درونی از مهمترین شیوه‌های اثرگذار حمایتی است. همچنین استفاده از هنر به ویژه سرودن اشعاری درباره پیامبر اکرم ﷺ اثرگذاری بیشتری بر مخاطب و جذب آنها به اسلام دارد. این ملاک و معیارها به‌رغم ظاهری متفاوت، خارج از شرایط زمانی و مکانی، قابل سرایت بر همه دوره‌ها و زمان‌ها است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن سعد، (۱۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۵۹)، ابوطالب، تهران، نشر بدر.
- حسینی موسوی، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، ابوطالب بزرگ مکه، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
- خیزی، عبدالله الشیخ علی (۱۳۹۸)، ابوطالب، بیروت، دارالتعارف.
- رضایی، اسدالله (۱۳۸۹)، ابوطالب اسوه مقاومت و ایمان، قم، آستانه مقدسه (زائر).
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم، نشر هجرت.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲ش)، خصال، قم، نشر جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۶ش)، الامالی للصدوق، تهران، نشر کتابچی.
- _____ (۱۳۸۵ش)، علل الشرایع، قم، نشر دآوری.
- _____ (۱۴۱۷ق)، من لایحضره الفقیه، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰ق)، منطق فهم حدیث، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عثمان، محمد عبدالزهرا (۱۴۲۵)، ابوطالب الصحابی المقتری علیه، بیروت، دارالهادی.
- قربانی زرین، باقر (۱۳۷۱)، ابوطالب، تهران، نشر و تبلیغ نیک معارف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۵۸)، ابوطالب آموزگار پاسداری، قم، انتشارات هادی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.